

دور کمت عشق

www.ketab.ir

سرنوشت	: قاسمی گل افشانی، علی اکبر، ۱۳۵۶ - گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور	: دور کعت عشق / به کوشش علی اکبر قاسمی گل افشانی
مشخصات نشر	: تهران: رسانش نوین، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۲۸ ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م
شابک	: 978-600-8988-40-3
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
بازداشت	: بالای عنوان: نگاهی به محرم در گل افشان.
عنوان دیگر	: نگاهی به محرم در گل افشان.
موضوع	: سوگواریها -- ایران -- گل افشان
موضوع	: Mourning customs -- Iran -- Golafshan
موضوع	: حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ ق. - سوگواریها
موضوع	: Hosayn ibn 'Ali, Imam III, 625 - 680 - Laments
رده بندی کنگ	: BP۲۶۰/۲
رده بندی	: ۲۹۷/۷۲
شماره کتابخانه	: ۵۸۲۵۸۷۸



تهران، خیابان مطهری، پلاک ۴۲، ماه سوم
تلفن: ۰۹۰۲ ۱۳۰ ۹۱ ۳۱ | raanesh@ubt.ac.ir

دور کعت عشق

نگاهی به محرم در گل افشان

علی اکبر قاسمی گل افشانی

طرح جلد: فرشاد علی نژاد

صفحه‌آرایی: حمیدرضا یعقوب‌زاده

ناشر: رسانش نوین

لینوگرافی: فیلم گرافیک

چاپ: پیمان نو اندیش

صحافی: ولیعصر

چاپ اول، تهران، ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۲۵۰ نسخه

شابک: ۳ - ۴۰ - ۸۹۸۸ - ۶۰۰ - ۹۷۸

قیمت ۷۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۹.....	پیش درآمد
۱۷.....	باز این چه شورش است...
۲۳.....	محرم در گل افشان
۲۸.....	الف - مجلس روضه خوانی
۳۰.....	ب - سینه زنی و نوحه خوانی
۳۲.....	پ - دسته روی
۳۸.....	ت - اطعام در ماه محرم
۴۳.....	پیشنهاد
۴۷.....	فهرست منابع و سرچشمه ها

پیش درآمد

«در عشقه و رکعت است که وضوی آن درست نیست الا به خون»
(حسین منصور حلاج)

خداوند بزرگ را سپاس می‌گوییم به تقدیر را با تدبیرمان همراه ساخت و توفیق را رفیقِ راهمان کرد تا یک بار دیگر در مقدمه کتابی باز در حوزه گل‌افشان‌شناسی به گل‌افشانی‌های ریز و هدهد خوانندگان گرامی، با تمام وجود درود و سلام بگوییم:

سلامی چو بوی خوش آشنایی بدان مردی سیه‌روشنایی
درودی چو نور دلِ پارسایان بدان شمعِ خرناسِ رُسایی

(حافظ، ۱۳۸: ۶۷۱)

عشق شما عزیزان به قول نیما یوشیج؛ «روشنم می‌دارد»، «قوتم می‌بخشد» و «رزقِ روحم شده است» (یوشیج، ۱۳۸۶: ۶۵۰). همین امر سبب شد تا پنجمین اثر را در حوزه گل‌افشان‌شناسی با عنوان «دو رکعت عشق؛ نگاهی به محرم در گل‌افشان» بعد از کتاب‌های «گل‌افشان»، «سبک‌روحان عاشق»، «پرستویی دیگر» و «آفتابی در میان سایه‌ای» بنویسم و

تقدیم شما عزیزان کنم. از خداوند بزرگ می‌خواهم توفیق نوشتن کتاب‌های دیگری را باز در همین حوزه گل‌افشان‌شناسی به من عنایت فرماید:

اگر لطف تو نبود پرتوانداز کجا فکر و کجا گنجینه راز
 ز گنج راز در هر کُنچ سینه نهاده خازن تو صد دفینه
 و آن لطف تو گر نبود، به صد رنج پشیزی کس نیابد ز آن همه گنج
 چو در هر کُنچ، صد گنجینه داری نمی‌خواهم که نومیدم گذاری
 به این امید پیچ در پیچ مرا لطف تو می‌باید، دگر هیچ

(وحشی بافقی، ۱۳۸۷: ۴۰۹)

اسفندماه هزار سیصد و نود و دو شمسی کم‌کم داشت روزهای آخر خود را سپری می‌کرد که کتاب گل‌افشان؛ گشت و گذاری در روستای گل‌افشان قائم‌شهر» به دست گل‌افشایی‌های عزیز رسید. کتاب گل‌افشان شادی و نشاط را برای گل‌افشانی‌ها به ارمغان آورد. پندجا دیدم که خانواده‌ها کتاب را بر روی سفره هفت‌سین عید نوروز خودشان براردا بد. فرزندان محترم کتاب هر جا که مرا می‌بینند، مورد لطف و محبت خوششان قرار می‌دهند. بعضی از عزیزان هم با تماس تلفنی، ارسال پیامک و ایمیل، حسرت‌های خودشان را ابراز کردند. در این جا بر خود واجب می‌دانم تا از لطافت و مهربانی‌های همه شما عزیزان قدردانی و سپاسگزاری کنم:

بی‌گلشن وصال تو سرسبز نیستیم

بنمای آن جمال که باغ و بهار ماست

گفتم که کیست قاسمی ای آرزوی جان؟

گفتند: عاشقی است که زار و نزار ماست

(قاسم انوار، ۱۳۹۳: ۴۱)

مهربانی‌های شما عزیزان را که دیدم، تصمیم گرفتم بخشی از تحقیقات و پژوهش‌های خودم را به فرهنگ گل‌افشان اختصاص بدهم. این بار به سمت محرم در گل‌افشان رفتم:

دست از مس وجود چو مردان ره بشوی
تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی
خاب و خورت ز مرتبه خویش دور کرد
آنگه رسی به خویش که بی خواب و خور شوی
گر نور عسری حق به دل و جان افتد
بالله کز آفتاب فلک خوب تر شوی
یک دم غریق بحر خدا شو گمان مبر
نزد آب هفت بحر به یک موی تر شوی
از پای تا سرت همه نور خدا شود
در راه ذوالجلال و جلال و سربلندی و سر شوی
(حافظ، ۱۳۸۱: ۶۶۴)

بر ما واجب است بدانیم: پدران و نیاکان و گذشتگان ما چگونه می‌زیستند؟ چه اندیشه‌هایی داشتند؟ مراسم آیینی خودشان را چگونه برگزار می‌کردند؟ و پرسش‌های دیگر. در این کتاب سعی داریم نگاهی گذرا داشته باشیم به مراسم آیینی محرم در زادگاهمان گل‌افشان. برای نوشتن این کتاب ساعت‌ها پای صحبت پیرمردان گل‌افشان نشستیم و با آن عزیزان به گفت‌وگو پرداختیم. کتاب را با این امید نوشتم که پابندی ما نسبت به هویت و گذشته و آب و خاک نیاکانی بیشتر بشود. ما زمانی می‌توانیم آینده‌ای شکوفا داشته باشیم که نسبت به سنت‌ها و گذشته‌ها وفادار باشیم. هویت و گذشته ریشه ماست؛

درخت هرچه تنومند و استوار و انبوه‌شاخه باشد مانایی آن به ریشه بستگی دارد. درخت بی‌ریشه محکوم به پژمردگی و افتادن است و با هر بادی می‌لرزد. امروز که دارم این پیش‌درآمد را بازبینی می‌کنم تقویم‌ها هشتم ذی‌الحجه را نشان می‌دهند و هشتم ذی‌الحجه روزی است که کاروان حضرت امام حسین (ع) از مکه به سمت کوفه بیرون آمدند. سرانجام این کاروان به کربلا رسید. یاه عزلی شهریار، شاعر مشهور معاصر ایران، با عنوان «کاروان کربلا» افشادم. این غزل را به عنوان ختم پیش‌درآمد بخوانید:

شیعیان دیگِ روی نینوا دارد حسین
روی دل با کاروان کربلا دارد حسین
از حریم کعبه جدش به اشرفی دست
مروه شست سر نهاد اما صفا دارد حسین
می‌برد در کربلا هفتاد و دو ذبح عظیم
بیش از اینها حبس کوی منا دارد حسین
پیش رو راه دیار نیستی کافیش نیست
اشک و آه عالمی به هم ر قفا دارد حسین
بسکه محمل‌ها رود منزل به منزل با شتاب
کس نمی‌داند عروسی یک عزادار دارد حسین
رخت و دیباچ حرم چون گل به تاراجش برند
تا به جایی که کفن از بوریا دارد حسین
بردن اهل حرم دستور بود و سر غیب
ورنه این بی‌حرمتی‌ها کی روا دارد حسین
سروران، پروانگان شمع رخسارش ولی
چون سحر روشن که سر از تن جدا دارد حسین

سر به قاچ زین نهاده راه‌پیمای عراق
 می‌نماید خود که عهدی با خدا دارد حسین
 او وفای عهد را با سر کند سودا ولی
 خون به دل از کوفیان بی وفا دارد حسین
 دشمنانش بی‌امان و دوستانش بی‌وفا
 با کدامین سر کند، مشکل دو تا دارد حسین
 سرت آل علی با سرنوشت کربلاست
 هر زمان از ما یکی صورت‌نما دارد حسین
 آب خود بنا به سمتش رشنه قسمت می‌کند
 زت و آزادگی بین تا کجا دارد حسین
 دشمنش هم آب می‌بندد بر روی اهل بیت
 زاری بی پایانه قومی بی‌حیا دارد حسین
 بعد از اینش صحنه‌ها و پرده‌ها اشک است و خون
 دل تماشا کن به زنجین سینما دارد حسین
 ساز عشق است و به دل هر زخم پیکان زخمه‌ای
 گوش کن عالم پر از زاری نوا دارد حسین
 دست آخر کز همه بیگانه شد دیدم هنوز
 با دم خنجر نگاهی آشنا دارد حسین
 شمر گوید گوش کردم تا چه خواهد از خدا
 جای نفرین هم به لب دیدم دعا دارد حسین
 اشک خونین گو بیا بنشین به چشم شهریار

کاندلین گوشه عزایی بی ریا دارد حسین

سپاس نامه

پدید آمدن این اثر مدیون بزرگوarانی است که با گرمی و خوشرویی به پرسش‌های من پاسخ گفتند. از خداوند بزرگ می‌خواهم به همه آن‌ها سلامتی و عاقبت‌بخیری ببخشد. اگر بخواهم از این عزیزان نام ببرم باید از حاج‌جرادعلی رنجبر، حاج‌شیرافکن بیانی، حاج‌حسین رنجبر، حاج‌سبزه‌علی نجفی، حاج‌قاسم رسولی، حاج‌عباس روزبه، حاج‌محمد باباپور، حاج‌حسن عبادی، جناب انوشیروان غلامی، جناب نوربخش غلامی و پدرم جناب حبیب‌الله می‌گل‌افشانی نام ببرم. بر خودم واجب می‌دانم تا از زنده‌یاد حاج‌نورعلی باباگل هم یادی بکنم که در این پژوهش اطلاعاتی سودمند به من دادند. رحمتش بر سرش باد.

خانواده محترم زنده‌یاد حاج‌یوسف رحمانی گل‌افشانی در زمینه چاپ و نشر این کتاب مساعدت مالی کردند. از خداوند بزرگ می‌خواهم به روح زنده‌یاد حاج‌یوسف رحمانی شادی و به ازماندگان سلامتی و تندرستی و عاقبت‌بخیری عطا بکند. زنده‌یاد حاج‌یوسف رحمانی (تاریخ درگذشت: ۱۶ بهمن ۱۳۹۷) انسانی متواضع و مردم‌دار بود و به نایابان خیلی عشق می‌ورزید. شب‌های محرم می‌توانستی او را در حسینیه گل‌افشان ببینی، چه با عشق سینه می‌زد! عضو هیئت ابوالفضل گل‌افشان بود. عاشقانه به دستگاه امام حسین (ع) کمک مالی می‌کرد. خوشبختانه با توانایی و مکتبی که داشت گروه‌های زندگی خیلی از آدم‌ها را باز کرده بود. «کسی نیک بیند به هر دو سرای / که نیکی رساند به خلق خدای» (سعدی، ۱۳۷۶: ۲۷۹). چه سعادت است از این بالاتر که انسان بتواند اشک یتیمی را پاک کند و یا در شرایط سخت از مردم دستگیری کند! بعد از درگذشت او از خیلی‌ها شنیدم که می‌گفتند زنده‌یاد رحمانی از ما دستگیری کرده بود. خوشا به سعادت کسی که مردم بعد از کوچ

این جهانی به نیکی از او یاد کنند. می‌گویند زندگی انسان‌های نیک‌نام بعد از درگذشتشان آغاز می‌شود چراکه یادکردِ نیکو خود عمر دوباره‌ای است.

جوانمرد و خوش‌خوی و بخشنده باش چو حق بر تو پاشد تو بر خلق پاش
نیامد کس اندر جهان کو بماند مگر آن کزو نام نیکو بماند
(همان: ۲۲۱)

از جناب محسن علی‌نژاد، مدیر فرهیخته و فرهنگ‌دوست انتشاراتِ رسانش نوین، و همکاران گرامی‌شان هم در چاپ و نشر این اثر تشکر و قدردانی می‌کنم.

به پایان آمد این دفتر حکایت - همچنان باقی
به صد دفتر نشاید گفت حسب‌الحال مشتاقی

با سپاس فراوان

غلام‌اکبر قاسمی گل‌افشانی

تابستان ۱۳۹۸ شمسی

ghasemigolafshani@yahoo.co.uk